پارسیان دژ
تاریخ، فرهنگ و میراث ایران

مجموعهٔ مقاله‌ها
نسخهٔ ماندگار

خشایار شا بزرگ

وصیت نامه داریوش شاه برای فرزندش خشایارشا

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی
انتشار: ۱ مهر ۱۳۹۲ · ۶ دقیقه مطالعه

چکیدهٔ مقاله

آرامگاه داریوش بزرگ اینک که من از دنیا می روم، 25 کشور جزو امپراطوری ایران است. در این کشور ها پول ایران رواج دارد و ایرانیان در این کشور ها دارای احترام هستند و مردم این کشورها هم در ایران محترم شمرده می شوند. جانشین من خشایارشا باید مانند من در حفظ این کشور ها بکوشد و راه نگهداری این کشور ها این است که در امور داخلی آنها مداخله نکند و مذهب و شعاعر آنها را محترم شمرد. اکنون که من از دنیا میروم تو دوازده کرور زر در خزانه داری و این زر یکی از ارکان قدرت تو می باشد، زیرا قدرت پادشاه تنها به شمشیر

پارسیان دژ / خشایار شا بزرگ

آرامگاه داریوش بزرگ

اینک که من از دنیا می روم، 25 کشور جزو امپراطوری ایران است. در این کشور ها پول ایران رواج دارد و ایرانیان در این کشور ها دارای احترام هستند و مردم این کشورها هم در ایران محترم شمرده می شوند.

جانشین من خشایارشا باید مانند من در حفظ این کشور ها بکوشد و راه نگهداری این کشور ها این است که در امور داخلی آنها مداخله نکند و مذهب و شعاعر آنها را محترم شمرد.

اکنون که من از دنیا میروم تو دوازده کرور زر در خزانه داری و این زر یکی از ارکان قدرت تو می باشد، زیرا قدرت پادشاه تنها به شمشیر نیست بلکه به ثروت نیز هست.البته به خاطر داشته باش تو باید به این زر بیفزایی نه اینکه از آن بکاهی، من نمی گویم که در مواقع ضروری از آن برداشت نکن، زیرا قاعده زر در زرخانه این است که به هنگام نیاز از آن برداشت کنند، اما در اولین فرصت آنچه برداشتی به خزانه برگردان.

...

مادرت آتوسا بر گردن من حق دارد، پیوسته وسایل آرامش خاطرش را فراهم کن.

ده سال است که من مشغول ساختن انبارهای گندم در سراسر کشور هستم و من روش ساختن این انبارها را که از سنگ ساخته می شود و به شکل استوانه است از مصر آموختم و چون انبار ها پیوسته تخلیه می شود حشرات در آن بوجود نمی آیند و گندم در این انبار ها چند سال می ماند بدون اینکه خراب شود وتو باید بعد از من به ساختن انبارهای گندم ادامه بدهی تا اینکه همواره آذوقه دو یا سه سال کشور در این انبارها ذخیره باشد به این ترتیب تو هرگز برای آذوقه کشور دغدغه نخواهی داشت حتی اگر دو یا سه سال پیاپی خشکسالی شود. هرگز دوستان و ندیمان خود را به سمت های کشوری نگمار و برای آنها همان مزیت دوست بودن با تو کافیست. چون اگر دوستان و ندیمان خود را به سمت های مملکتی بگماری و آنان به مردم ظلم نمایند و استفاده نامشروع کنند نخواهی توانست آنها را به مجازات برسانی چون با تو دوست هستند و تو ناچاری رعایت دوستی بنمایی.

کانالی که من میخواستم بین رود نیل و دریای سرخ بوجود بیاورم هنوز به اتمام نرسیده است و تمام کردن این کانال از نظر بازرگانی و جنگی خیلی اهمیت دارد، تو باید آن را به اتمام برسانی و عوارض عبور کشتی ها از آن کانال نباید آنقدر سنگین باشد که ناخدایان ترجیح بدهند از آن عبور ننمایند. اکنون من سپاهی به مصر فرستادم تا در قلمرو ایران نظم و امنیت را برقرار سازد اما فرصت نکردم سپاهی به طرف یونان بفرستم و تو باید این کار را به انجام برسانی. با سپاهی نیرومند به یونان حمله کن و به آنها بفهمان که پادشاه ایران قادر است مرتکبین فجایع را نابود سازد.

هرگز دروغگو ومتملق را به خود راه مده چون هر دوی آنها آفت سلطنت هستند و بدون ترحم دروغگو را از خود دور نما. هرگز عمال دیوان را بر مردم مسلط نکن و برای اینکه عمال دیوان بر مردم مسلط نشوند، قانونی برای مالیات وضع کن که تماس عمال دیوان با مردم را کم کند است. افسران و سربازان ارتش را راضی نگهدار و با آنها بدرفتاری نکن. اگر با آنها بدرفتاری کنی آنها نخواهند توانست با تو مقابله به مثل کنند اما در میدان جنگ تلافی خواهند کرد و دست روی دست می گذارند و تسلیم می شوند تا وسایل شکست تو را فراهم آورند حتی اگر به قیمت کشته شدنشان باشد. امر آموزش را که من شروع کردم ادامه بده و بگذار اتباع تو بتوانند بخوانند و بنویسند تا اینکه عقل و فهم آنها بیشتر شود و هرچه عقل و فهم آنه بیشتر شود تو با اطمینان بیشتری می توانی سلطنت کنی.

همواره حامی کیش یزدان پرستی باش اما هیچ قومی را وادار نکن که از کیش تو پیروی کنند و پیوسته به خاطر داشته باش که هر کس باید آزاد باشد و از هر کیش که میل دارد پیروی کند. پس از اینکه من زندگی را بدرود گفتم بدنم را بشوی و در کفن بپیچان و آنگاه در تابوت قرار ده و در قبر بگذار اما قبرم را مسدود نکن تا هر زمان که بخواهی وارد قبر شوی و تابوت مرا ببینی و بدانی پدرت که روزی پادشاهی مقتدر بود از دنیا رفت و تو نیز مانند من از دنیا خواهی رفت و سرنوشت آدمی این است که بمیرد خواه خارکن باشد خواه پادشاه بیست و پنج کشور. در اینصورت غرور و خودخواهی بر تو غلبه نخواهد کرد. اما وقتی مرگ خود را نزدیک دیدی فرمان بده قبر مرا مسدود نمایند و به فرزندت نیز وصیت کن با تو چنین کند.

زنهار، زنهار، هرگز هم مدعی و هم قاضی مشو زیرا اگر مدعی قاضی شود ظلم خواهد کرد. اگر از کسی ادعایی داری قبول کن یک قاضی بی طرف به آن ادعا رسیدگی کند و رای صادر نماید. هرگز از آباد کردن دست برندار. زیرا که اگر کشوری آباد نشود رو به ویرانی خواهد رفت. آباد کردن، حفر قنات، احداث جاده و شهرسازی را در درجه اول قرار بده.

عفو و سخاوت را فراموش نکن و بدان پس از عدالت برجسته ترین صفت پادشاهان عفو و سخاوت است و تو زمانی باید عفو کنی که کسی نسبت به تو خطایی کرده باشد و اگر به دیگری خطایی کرده باشد و تو آن را عفو کنی ستم کرده ای.

بیش از این چیزی نمی گویم و این اظهارات را با حضور کسانی که غیر از تو اینجا هستند کردم تا اینکه بدانند قبل از مرگ من این توصیه ها را کرده ام و اینک بروید و مرا تنها بگذارید زیرا احساس می کنم مرگم نزدیک است... این بود سفارشات داریوش بزرگ هخامنشی به فرزندش اما با خواندن دوباره جملات زیر به ژرفای منش و بزرگواری و شکوه و عظمت امپراطور جهان،داریوش بزرگ پی خواهید برد... (...اینک که من از دنیا می روم بیست و پنج کشور جزو امپراطوری ایران است...) (...با سپاهی نیرومند به یونان حمله کن و به آنها بفهمان که پادشاه ایران قادر است مرتکبین فجایع را نابود کند...) (...همواره حامی کیش یزدان پرستی باش و هیچ قومی را مجبور نکن که از کیش تو پیروی کند...) (...سرنوشت آدمی این است که بمیرد، خواه خارکن باشد خواه پادشاه بیست و پنج کشور...) (...زنهار...زنهار...هرگز هم مدعی و هم قاضی مشو. زیرا اگر مدعی قاضی شود ظلم خواهد کرد...) (...عفو سخاوت را فراموش نکن و بدان برجسته تریت صفت پادشاهان پس از عدالت عفو است و سخاوت...)

و غم انگیز ترین فرموده داریوش بزرگ: (...بروید و مرا تنها بگذارید،زیرا احساس میکنم مرگ من نزدیک است...)

بدرود فرزندان ایران

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «وصیت نامه داریوش شاه برای فرزندش خشایارشا»، پارسیان دژ، ۱۳۹۲.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وب‌سایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

https://parsiandej.ir/articles/1359/pdf/وصیت-نامه-داریوش-شاه-برای-فرزندش-خشایا.pdf

آخرین ویرایش مقاله: ۱ مهر ۱۳۹۲